

سینما

هویت دینی دفاع مقدس^(۱)

□ شهید سیدمرتضی آوینی



سینمایی را که اکنون در کشور ما خود را موقوف به جنگ کرده است نباید مشمول عنوان کلی «سینمای جنگ» دانست و راستش، اگر جنگ ما نیز از زمره جنگ‌هایی بود که در این قرون اخیر در کره زمین رخ داده است، بنده خود از نخستین کسانی بودم که از نظرگاهی مخالف با جنگ فیلم می‌ساختم. در عنوان «سینمای جنگ» هیچ اشاره‌ای به ماهیت دفاع هشت ساله ما در برابر آن جنگ تحمیل شده وجود ندارد و مسئله به گونه‌ای عنوان می‌شود که تو گویی اگر ما خدای ناکرده هنرمندانی بودیم متوطن در عراق

که از قضای روزگار در دوران جانی قدرت طلب تجاوزگر کژاندیشی چون صدام تکریتی

می‌زیستیم، باز هم می‌بایست قداسیهٔ مفتضح و شکست‌خوردهٔ صدام را مصداق عنوان «جنگ» بگیریم و حالا بحث کنیم که وظیفهٔ سینمای جنگ چه می‌تواند باشد.

آیا اگر به جای حاج همت^(۲) و حاجی پور^(۳) و کاوه^(۴) و علیرضای^(۵) و محمدبروجردی^(۶) و حاج حسین خرازی^(۷) و دیگران، افرادی چون سرتیپ «طالع رحیم الدوری» و «عدنان خیرالله» و «ضیاء توفیق ابراهیم» و «ماهر عبدالرشید» فرمانده تیپ‌ها و لشکرهای جبههٔ ما بودند و این ما بودیم که مثل بلای ناگهانی بر سر مردم بی‌دفاع غرب و جنوب ایران ریخته بودیم و جنگ را آغاز کرده بودیم، باز هم این بحث‌ها می‌توانست ضرورتی داشته باشد؟

خیر، همهٔ جنگ‌ها بد است مگر جهاد فی سبیل الله. و اگر نبود این حقیقت که جبهه‌های ما مسلخ و مقتل عشاق بوده است و آوردگاه دلبران حق پرستی چون همت و خرازی و دیگران که از مقام خلیفه‌اللهی بشر دفاع می‌کردند، وظیفهٔ سینماگران نیز آن بود که «غلاف تمام فلزی»^(۸)

بسازند و نظام نیهیلیستی ارتش‌های دنیا را به استهزا بگیرند.

هنر نباید راه آسمان را بنمایاند و بالای بلندپرواز باشد برای اعتلای روح و اگر این جنگ نیز، چون دیگر جنگ‌ها، دریچه‌ای بود به جهنم سوزان ددمنشی و سفاکی روح بشر، سینما می‌بایست که جانب انکار بگیرد و هویتی «ضد جنگ» بیابد. یعنی این عنوان «سینمای جنگ» عنوان کاملی نیست و بر آن چه مراد ماست دلالتی ندارد و شاید از جانب همان کسانی ابداع شده باشد که این جنگ را هرگز جز از جنبهٔ سیاسی و تاریخی آن ندیدند و در تمام طول جنگ سعی می‌کردند که آن را به محدودهٔ معادلات مرسوم سیاست جهانی بکشانند و «هویت دینی» آن را در قراردادهای سیاسی و روابط بین‌المللی و قطع‌نامه‌های رنگارنگ مستحیل کنند و بالاخره هم از عهده برآمدند. نمی‌خواهم حکم صادر کنم که ما می‌بایست قضاوت‌های بین‌المللی و مناسبت‌های جهانی را به هیچ بگیریم؛ اما این هست که در این جهان که جهان حاکمیت

زورمداران و قداره‌بندهاست، روابط و مناسبات بین‌المللی به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که راه را بر هر تغییر و تحول عمده‌ای می‌بندند و بهترین شاهد این مدعا همان است که خود این قداره‌بندهای زورگو نیز وقتی می‌خواهند از طریق خلق الساعه کشوری دروغین چون اسرائیل را در قلب جهان اسلام ایجاد کنند، ناگزیر به اقداماتی بیرون از قواعد مرسوم دست می‌یازند. اسحاق شامیر در جواب یک خبرنگار مجارستانی که از او پرسیده بود: «چرا شما به قطع‌نامه‌های سازمان ملل بی‌اعتنایی می‌کنید؟» بآلبخندی دیپلماتیک گفته بود: «اگر ما می‌خواستیم به قطع‌نامه‌های بین‌المللی وفادار باشیم که الان این جا نبودیم!»

شاید بهتر باشد که به جای این عنوان بی‌خاصیت «سینمای جنگ» کلمه دیگری بگذاریم که «هویت دینی دفاع مقدس ما» در آن ملحوظ شده باشد و آن‌گاه بنشینیم و بحث کنیم که حالا سینمایی که بدین موضوع خاص می‌پردازد چگونه سینمایی است و چگونه می‌تواند وظیفه خود را در قبال جنگ تحمیلی ایفا کند.

موضوع هنر جدید - به تبع غلبه اومانیزم بر عالم جدید - «انسان» است و جبهه‌های دفاع مقدس ما تنها عرصه‌ای است که در آن انسان به تمام معنای حقیقی آن - یعنی خلیفه‌الله - تجلی یافته است و بنابراین، هنر انقلاب برای معرفی انسان عصر استخلاف که فردای جهان از آن اوست ناگزیر است از آن که روی بدین جنگ بیاورد. عصر رُسناس با تعریف تازه‌ای از انسان آغاز شد و این عصر نیز که «عصر استخلاف بنی آدم» است، هم اکنون با تعریف دیگری از انسان آغازگشته است. «سینمای انقلاب» عنوانی منفک و مجزا از آن چه اصطلاحاً «سینمای جنگ» می‌نامند نیست، چرا که حقیقت انقلاب و باطن آن در طول جنگ تحقق یافته است و بنابراین، سینمای انقلاب چاره‌ای ندارد جز آن که هویت خود را در این دفاع هشت ساله و پیوند معنوی آن با جنگ‌های مقدس تاریخ بجوید. پس فیلمی می‌تواند خود را متعلق به این سینما بداند که از همین نظرگاه به جنگ و انسان‌های پرورش یافته در جنگ بنگرد، و اگر نه، چه تفاوتی می‌توان یافت بین فیلم «کلاه سبزه‌ها»^(۹) «عقاب‌ها» و

«پایگاه جهنمی»^(۱۰)... جز آن که اولی از لحاظ تکنیکی خوش ساخت تر است؟! ... و باز هم روشن است که چه کسی می‌تواند پای در این عرصهٔ سیمرغ بگذارد: آن کس که بال در بال سیمرغ بدان سفر آسمانی رفته باشد، و اگر نه، رئالیسم و نئورئالیسم نیز اقتضا دارند که هنرمند به جنگ چون امری که بالاخره دارای تبعات و آثار اجتماعی است، بنگرد. اگر فیلم «دندان مار»^(۱۱) به قوت فیلم «قیصر» از آب در می‌آمد، می‌توانست مصداق خوبی برای این نحوهٔ نگرش - رئالیسم به معنای جدید آن - باشد و البته تبعات و آثار اجتماعی جنگ ما فقط منتهی به آوارگی و جنگ‌زدگی و فقر و کوپن‌فروشی نیست؛ تزکیهٔ دینی اجتماع ما نیز به معنایی دیگر مدیون جنگ است. منتهی از آن جاکه هنرمند جدید خواهان خواه با اگزستانسیالیسم متجدد نسبتی غیر قابل انکار دارد، ناگزیر است از آن که فقط سیاهی‌ها و زشتی‌ها را بنگرد و از زیبایی‌ها غفلت کند. همین است که شما در فیلم «عروسی خوبان» با جماعتی از معلول‌ها و موجی‌های جنگ برخورد می‌کنید، اما حتی با یک صحنه از اعزام چند هزار نفری سپاه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خیابان‌های تهران رو به رو

نمی‌شوید.

نیاز به توضیح بیش‌تر نیست.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) نظرخواهی، سوره، دورهٔ دوم، ۷ و ۸ مهر و آبان ۱۳۶۹.
- (۲) حاج محمدابراهیم همت (۶۳-۱۳۳۴)؛ فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - و.
- (۳) علی اکبر حاجی‌پور (۶۴-۱۳۳۰)؛ فرمانده تیپ در لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - و.
- (۴) محمود کاوه (۶۵-۱۳۴۰)؛ فرمانده تیپ ویژه شهدا - و.
- (۵) قائم مقام لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - و.
- (۶) قائم مقام فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهداء (در غرب کشور) - و.
- (۷) فرمانده لشکر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام - و.
- (۸) Full Metal Jacket؛ به کارگردانی استنلی کوبریک، محصول سال ۱۹۸۶، انگلستان - و.
- (۹) The Green Berets؛ به کارگردانی جان وین، محصول سال ۱۹۶۸، آمریکا - و.
- (۱۰) به کارگردانی اکبر صادقی، محصول سال ۱۳۶۳.
- (۱۱) به کارگردانی مسعود کیمیایی.